

Research in Curriculum Planning

Vol 16, No 35 (continus 62)  
fall 2019, Pages 20-39

پژوهش در برنامه‌ریزی درسی

سال شانزدهم، دوره دوم، شماره ۳۵ (پیاپی ۶۲)  
پاییز ۱۳۹۸، صفحات ۲۰-۳۹

Adaptability and the Pathway of Optimal Framework in Curriculum Elements of Entrepreneurship Education within Higher Education from Schiro's Curriculum Ideologies

Ahmad Malekipour, Seid Mohammad Ali Mirjaleli, Masoumeh Moghimi Firouzabad

<sup>1</sup> Ph.D Curriculum University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor Mazandaran Farhangian of Dr. Shariati Campus, Mazandaran, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor Farhangian University of Nasibeh Campus, Tehran, Iran.

Abstract

The objective of this research is to explain adaptability and pathway of optimal framework of curriculum elements of entrepreneurship education in the higher education based upon Schiro's curriculum ideologies. This is a synthetic (quantitative and qualitative) study that using In terms of target, the method of collecting information is descriptive-deductive and content analysis. Data gathering tools is Checklist for content analysis to adapt to six tables from Schiro (2008) in Curriculum Theory: Conflicting Visions and Enduring Concerns. The results illustrated that pathway of optimal framework of curriculum elements of entrepreneurship education in higher education are explained in goal element to Social Efficiency Ideology and Goal elements, content, teaching method, individual, learning and evaluation of Learner Centered pathway. Therefore, faculty, authors and designers of entrepreneurship education curriculum for achievement and application of optimal framework of curriculum elements of entrepreneurship education in higher education must be implemented considering their view in goal element to Social Efficiency Ideology and in Goal elements, content, teaching method, individual, learning and evaluation to Learner Centered Ideology.

**Keywords:** Entrepreneurship Education, Curriculum, Higher Education, Curriculum Ideologies

تبیین سازگاری و مسیر گذر چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی از ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو

احمد ملکی پور\*، سید محمدعلی میرجلیلی، معصومه مقیمی فیروزآباد

<sup>۱</sup> دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه فرهنگیان پردیس دکتر شریعتی، مازندران، ایران.

<sup>۳</sup> عضو هیئت‌علمی مرکز نسبه دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین سازگاری و مسیر گذر چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی از ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو است. این تحقیق از نظر ماهیت آمیخته، از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات توصیفی-استنتاجی و تحلیل محتوا به شمار می‌رود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات چکلیست تحلیل محتوا برای انطباق با جداول شش‌گانه اسکایرو (۲۰۰۸) در کتاب نظریه‌های برنامه درسی: دیدگاه‌های متضاد و نگرانی‌های مداوم اثر است، در بخش کمی نیز از نمودار و فرم رتبه‌بندی اقتباس شده از اسکایرو (۲۰۰۸) برای تعیین مسیر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که مسیر گذر چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در عنصر هدف برنامه درسی از مسیر کارایی اجتماعی و عناصر دیگر برنامه درسی شامل: محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی نیز از مسیر یادگیرنده محور تبیین می‌گردد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اساتید، مؤلفان و طراحان برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دستیابی و کاربست چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی باید دیدگاه خود را در عنصر هدف با ایدئولوژی برنامه درسی کارایی اجتماعی و در عناصر محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی با ایدئولوژی برنامه درسی یادگیرنده محور تطبیق دهند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش کارآفرینی، برنامه درسی، آموزش عالی، ایدئولوژی‌های برنامه درسی

\* نویسنده مسئول: malekipour@ut.ac.ir

پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۹

وصول: ۹۶/۱۰/۲۷

مقدمه

کارآفرینی آماده‌سازی افراد برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار است، این نوع تعریف عمدتاً پذیرای محتوای نظری آموزش کارآفرینی شامل: شناسایی فرصت‌ها، راه‌اندازی کسب‌وکار، توسعه کسب‌وکار و خوداشتغالی افراد است (Lackeus, 2015). ولی در تعریف عمقی هدف آموزش کارآفرینی پرورش یک فرد کارآفرین است، تمرکز اصلی این تعریف بر یادگیری مهارت‌هایی است که تفکر و اعمال کارآفرینانه را نه فقط در کسب‌وکار بلکه در هر شرایطی در زندگی برای افراد توسعه می‌دهد (Stevenson & Jarillo, 1990). در گزارش کنسرسیوم آموزش اروپا (۲۰۰۸) آمده است که آموزش کارآفرینی تنها بر آموزش مهارت‌هایی برای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار تأکید ندارد بلکه تفکر خلاقانه، افزایش اعتمادبه‌نفس و تقویت خودپنداره افراد در مورد توانمندی‌هایشان را نیز مورد پوشش قرار می‌دهد (EC-European Commission, 2008).

بر این اساس آموزش کارآفرینی فقط در مطالعات عمومی اقتصادی و کسب‌وکار خلاصه نمی‌شود (Ernest, 2015). بلکه علاوه بر بهبود توسعه فردی و پرورش نیروی متخصص مورد نیاز جامعه (gholi zadeh & Moghtadreh, 2008)، ارتقا خلاقیت، اعتمادبه‌نفس، نوآوری و مهارت‌های اجتماعی (Lackeus, 2015)، پاسخی به دنیای پیچیده، نامطمئن و در حال تغییری است که ضرورت کسب شایستگی‌های کارآفرینانه را برای افراد و سازمان‌ها را بیش از پیش لازم می‌کند (Gibb, 2002).

باین حال بدیهی است چه چیزی و چگونگی آموزش کارآفرینی تحت تأثیر یک سری حوزه‌ها و قلمروها قرار دارد که با توجه به شرایط و فلسفه حاکم بر جامعه مسیر حرکت آن تعیین می‌شود. یکی از این حوزه‌ها که در قلب آموزش قرار دارد (Null, 2011)، حوزه برنامه درسی است، این حوزه خود نیز با توجه به شرایط حاکم بر جامعه متأثر از نظریه‌های برنامه درسی است. نظریه برنامه درسی مجموعه‌ای از تصورات و تحلیل‌های فرد

امروزه کارآفرینی به شکل چشمگیری در دانشگاه‌های نسل سوم، تحت عنوان دانشگاه‌های کارآفرین توسعه پیدا کرده و در کشورهای بسیاری به موضوع مهمی تبدیل شده است. (Ghina, Simatupang & Gustomo, 2017)؛ زیرا کارآفرینی به‌عنوان یک جنبه مهم از اقتصاد مدرن اغلب تسهیلگر نوآوری، ایجاد اشتغال و پیشرفت ملی شناخته شده (Günzel-Jensen, Robinson & 2017) و فرصت‌های زیادی را برای توسعه دانش و انگیزه‌های کارکنان فراهم می‌کند که ضمن پیشرفت مالی توسعه شخصی افراد را هم در بر دارد (Potishuk & Kratzer, 2017). با توجه به این اهمیت در سال‌های اخیر آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک راهبرد مطلوب در مؤسسات آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است. آموزش کارآفرینی یعنی محتوا، روش‌ها و فعالیت‌هایی که انگیزه، شایستگی و تجربه را رشد و توسعه می‌دهد تا راه‌اندازی، مدیریت و مشارکت در فرایند ارزش‌افزوده را ممکن سازد (Moberg, Stenberg & Vestergaard, 2012). لویس و همکاران (۲۰۰۳) آموزش کارآفرینی را رشد افراد به‌خصوص جوانان در یک سری از مهارت‌ها و نگرش‌ها تعریف می‌کنند که به آن‌ها هم ایجادکننده کسب‌وکار و هم جستجو کننده آن را می‌دهد (Lewis & Massey, 2003). در یک تعریفی دیگر آموزش کارآفرینی فرایندی نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گراست که طی آن افراد غیرکارآفرین ولی دارای توان بالقوه، به‌صورتی خلاق تربیت می‌گردند (Terpstra & Rozell, 2003) و این مفهوم نیز بر ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌هایی تأکید دارد که اشخاص برای راه‌اندازی، رشد و مدیریت کسب‌وکار بایستی به آن مجهز شوند (Kiessling, 2004).

بررسی ادبیات از نظر هدف آموزش کارآفرینی نشان می‌دهد که یک تعریف سطحی و یک تعریف عمقی از هدف آموزش کارآفرینی وجود دارد (Lackeus, 2015; McKenna, 2004). در تعریف سطحی هدف آموزش

ارائه ایدئولوژی‌های برنامه درسی را مختص وضعیت عناصر برنامه درسی در آموزش عالی مورد طبقه‌بندی قرار داده است، لذا در این پژوهش از نظریه‌های برنامه درسی ارائه شده توسط (Schiro, 2008)، بهره گرفته شده است. اسکایرو (۲۰۰۸) در اثر خود بنام نظریه‌های برنامه درسی: دیدگاه‌های متضاد و نگرانی‌های مداوم به چهار ایدئولوژی برنامه درسی (دانش پژوهان علمی، کارایی اجتماعی، یادگیرنده محور و بازسازی اجتماعی) اشاره کرده است که هر کدام از این ایدئولوژی‌ها، نوع باورها و نگرش اساتید را در ارتباط با مؤلفه‌های شش‌گانه هدف، تدریس، یادگیری، ماهیت دانش، فراگیر و ارزشیابی جهت می‌دهند. در زیر این ایدئولوژی‌های برنامه درسی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

**ایدئولوژی دانش پژوهان علمی:** حامیان دانش پژوهان علمی معتقدند هدف آموزش کمک به فراگیران است تا بتوانند دانش جمع‌آوری شده در فرهنگ را فرا بگیرند. وظیفه اصلی آموزش بهبود بخشیدن به اجزاء این معادله، هم در سطح فرهنگی و هم در سطح فردی است. هدف دانش پژوهان علمی، گسترش رشته‌ها با معرفی اعضای جوان به آن‌ها است. در این خصوص ابتدا اعضای جوان به‌عنوان دانشجو به کار گرفته می‌شوند و به تدریج از انتهای سلسله به رأس آن سوق داده می‌شوند. در این ایدئولوژی، برنامه درسی روش‌های این انتقال، مفاهیم و دلیل وجود آن را تعیین می‌نماید. دغدغه اصلی دانش پژوهان علمی ایجاد برنامه درسی است که به خوبی ماهیت رشته درسی را منتقل و منعکس نماید (Schiro, 2008).

ایدئولوژی کارایی اجتماعی: هواداران این ایدئولوژی معتقدند هدف آموزش در مدارس برطرف‌سازی نیازهای جامعه با تعلیم جوانان به‌گونه‌ای است که در آینده به‌عنوان اعضای مؤثر و فعال جامعه فعالیت داشته باشند (Schiro, 1978). از این‌رو آن‌ها باید مهارت‌ها و توانایی‌هایی را کسب کنند که در محیط کار و یا خانه به‌منظور بهبود زندگی بکار گیرند (Cotti & Schiro, )

در راستای بازاندیشی آن‌ها در عمل است که به معنا بخشی عناصر برنامه درسی در فرایند آموزش منجر می‌شود.

شواهد نشان می‌دهد که تعاریف، توصیفات و اجرای دیدگاه‌ها در خصوص ایدئولوژی‌های برنامه درسی در دهه گذشته توسط پژوهشگرانی متفاوتی بحث شده است (Schiro, 1992; Schiro & Fabrizio, 2007; Goodlad, 1984) و در منابع اصلی حوزه برنامه درسی مبحث نظریه‌های برنامه درسی با معادل‌های دیگری همچون؛ جهت‌گیری‌ها، دیدگاه‌ها، رویکردها، ایدئولوژی‌ها و چشم‌اندازهای برنامه درسی نیز آمده است (Schiro, 2008). اسکایرو (۲۰۰۸) اذعان دارد که نظریه‌های برنامه درسی همان ایدئولوژی‌های برنامه درسی است از دیدگاه او ایدئولوژی‌ها مجموعه از نظرات، اصول، دکترین‌ها، رموز، سنبل‌ها، جنبش‌های اجتماعی مؤسسات یا گروه‌هایی است که مشخص می‌کند جامعه‌چطور باید عمل کند. ایدئولوژی‌های برنامه درسی در حقیقت مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، باورها و ارزش‌های خاص در خصوص برنامه‌های درسی است که از خط‌مشی‌های حاکم بر یک جامعه الهام گرفته‌اند و ترجیحات و گرایش‌های اجتماعی را در خصوص اهداف و روش‌های تربیتی و برنامه درسی نشان می‌دهند (Schiro, 2008).

از آنجاکه ایدئولوژی‌های برنامه درسی باید‌ها و نباید‌ها را در نظام برنامه‌ریزی درسی معین می‌سازند، با عنایت به آن می‌توان عناصر هر یک از برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی را مشخص کرد. در پژوهش حاضر محقق سعی بر این داشته که از منابع جدید، معتبر و روزآمد در خصوص ارائه ایدئولوژی‌های برنامه درسی استفاده ببرد. با این حال اکثر ایدئولوژی‌های برنامه درسی که از سوی صاحب‌نظران در طی سال‌های اخیر معرفی شده‌اند، ارائه ایدئولوژی‌های برنامه درسی را با توجه به عناصر برنامه درسی در حوزه آموزش عمومی نه دانشگاهی مد نظر قرار داده‌اند. از آنجاکه (Schiro 2008)

اصلاح این شرایط است آن‌ها برای اصلاح شرایط جنبه‌های نامطلوب فرهنگ را از بین می‌برند و آن‌ها را بارز‌هایی که ایده‌آل و ارزشمند هستند جایگزین می‌کنند و در نتیجه فرهنگ خود را بازسازی می‌نمایند، به طوری که اعضای آن از خواسته‌های روحی، مادی و معنوی خود بیشترین رضایت را داشته باشند ( Schiro, 2008).

بررسی‌های پژوهشگر نشان می‌دهد که در ارتباط با تحقیق مورد نظر پژوهش‌های آن‌چنانی صورت نگرفته، باین حال یک سری مطالعات در داخل و خارج صورت گرفته که تا حدودی با پژوهش مربوطه ارتباط دارد، در زیر به این تحقیقات اشاره می‌گردد:

Malekipour & et al (2016) در پژوهشی تحت عنوان مطالعه تطبیقی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در قلمرو رشته‌های کارشناسی علوم اجتماعی و رفتاری در دانشگاه تهران با دانشگاه‌های پیشرو جهان به این نتیجه رسیدند که برنامه درسی کتاب مبانی آموزش کارآفرینی دانشگاه تهران متفاوت از دانشگاه‌های مورد مطالعه است و در دانشگاه‌های پیشرو عناصر برنامه درسی کارآفرینی بر مبنای رویکرد شایستگی محور طراحی شده است، این در صورتی است که در دانشگاه تهران طراحی برنامه درسی بر مدل سنتی و موضوع محور مبتنی است. در بخش عنصر هدف، برنامه درسی کارآفرینی دانشگاه تهران بر یادگیری در سطح دانش و فهمیدن تأکید دارد، در عنصر محتوا برنامه درسی کارآفرینی دانشگاه تهران همسو با اهداف در پی ایجاد دانش و آشنایی دانشجویان با یک سری مطالب نظری است. در عنصر راهبردهای یاددهی - یادگیری دانشگاه تهران با توجه به مدل سنتی فرصت‌های مناسب برای فعالیت‌های یادگیری کارآفرینی تدارک دیده نشده است و در عنصر ارزشیابی بر روش‌های کمی و آزمون پایان ترم تأکید دارد.

Rahmanpour & et al (2016) در مطالعه‌ای با

عنوان میزان رعایت اصول علمی در تدوین هدف‌های

دغدغه اصلی طرفداران این دیدگاه بهره‌گیری از روش‌های علمی است. آن‌ها باور دارند که برنامه درسی باید با شیوه علمی توسعه پیدا کند و رشد برنامه درسی منطبق با انتظارات مشتری باشد (Schiro, 1978). در این ایدئولوژی آموزش برای رسیدن به یک سری اهداف رفتاری صورت می‌گیرد و ممکن است یادگیرنده به تمرین زیادی نیاز داشته باشد تا بتوانند مهارت‌های مربوطه را کسب و آن‌ها را حفظ نمایند. کار اول مربیان کارایی اجتماعی تعیین نیازهای جامعه است ( Schiro, 2008).

**ایدئولوژی یادگیرنده محور:** طرفداران این ایدئولوژی معتقدند که مدارس باید مکان‌هایی لذت بخشی باشد تا فراگیران به طور طبیعت مطابق با طبیعت ذاتی‌شان رشد کنند. هدف آموزش رشد افراد در هماهنگی با ویژگی‌های منحصر به فرد ذهنی، اجتماعی، عاطفی و فیزیکی آن‌هاست، آن‌ها اذعان دارند که فراگیران به عنوان منبع محتوا برنامه درسی محسوب می‌شوند (Cotti & Schiro, 2004). بدین صورت هواداران این ایدئولوژی رشد را هدف اصلی تلاش‌هایشان می‌دانند. در نتیجه آموزش یعنی به کارگیری توانایی‌های ذاتی افراد (Schiro, 2008).

**ایدئولوژی بازسازی اجتماعی:** طرفداران بازسازی اجتماعی اذعان دارند که هدف نظام آموزشی تسهیل ساخت جامعه‌ای جدید و عادل است تا اعضای آن بیشترین رضایت را از آن داشته باشند ( Cotti & Schiro, 2004). این طرفداران به طور بارزی بر توانایی آموزش از طریق برنامه درسی برای آموزش فراگیران در فهم ماهیت جامعه به وسیله گسترش یک چشم‌انداز جامعه بهتر و به دنبال آن برآوردن این دیدگاه اعتقاد دارند (Schiro, 2004). از نگاه آن‌ها تجربه انسان‌ها با فاکتورهای فرهنگی مستحکم‌تر و قوی‌تر به وجود می‌آید، آن‌ها می‌گویند معنی و مفهوم در زندگی انسان‌ها از طریق همین تجارب اجتماعی به وجود می‌آید. هدف طرفداران ایدئولوژی بازسازی اجتماعی

برنامه درسی تحصیلات تکمیلی مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان به این نتیجه رسیدند که در سطح کارآفرینی نیز در هدف‌های برنامه درسی به زیرساخت‌ها و مهارت‌های لازم برای ایجاد ظرفیت‌های کارآفرینی در دانشجویان توجه چندانی نشده و در نتیجه در این حیطه عملکردها خیلی ضعیف بوده است.

در طی مطالعه‌ای با عنوان نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی (Safari & et al (2012) به این نتیجه دست یافتند که مواد، محتوا و برنامه‌های فرعی (غیررسمی یا پنهان) علمی آموزشی و حتی شیوه‌های تدریس در رشته‌های علوم انسانی در انتقال مفاهیم کارآفرینی و کسب‌وکار به دانشجویان در وضعیت مناسبی قرار ندارند.

(Sharif & et al (2011) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران به این نتیجه رسیدند که هدف‌ها، محتوا، راهبردهای یاددهی و یادگیری، شیوه‌های مدیریت و نظارت و ارزشیابی آموزش در سطح مطلوبی قرار ندارند.

با توجه به آنچه گفته شد آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در هر برهه زمانی متأثر از ایدئولوژی‌های برنامه درسی است که نشأت گرفته از باورها و دیدگاه‌های افراد همچون اساتید، مؤلفان و طراحان برنامه درسی است. بدین صورت که این افراد در طی فرایند تعیین چارچوب برنامه درسی با توجه به باورها، تجربیات، دیدگاه‌ها و به‌طور کلی ایدئولوژی‌های برنامه درسی خود نسبت به تعیین و چگونگی عناصر برنامه درسی تصمیم‌گیری می‌کنند. بدیهی است که همین امر باعث شده است که تعیین و چگونگی عناصر برنامه درسی متأثر از ذهنیات افراد دخیل در طراحی، تدوین و کاربست برنامه درسی گردد و ارزش‌های اصلی چارچوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی مورد غفلت قرار بگیرد. از این رو در این پژوهش تلاش بر این است که مسیر ایدئولوژی‌های برنامه درسی برای دوری از دخیل کردن ذهنیات افراد در چارچوب برنامه درسی آموزش

کارآفرینی ترسیم گردد تا افراد بدون سوگیری برای تحت تأثیر قرار دادن برنامه آموزش کارآفرینی از تفکرات خود، نسبت به طراحی، تدوین و کاربست برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی اقدام نمایند. لذا هدف این پژوهش تبیین سازگاری و مسیر گذر چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی از ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو است. در این راستا پرسش‌های اساسی این نوشتار عبارت‌اند از:

- چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کدام‌اند؟
- چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی بیشتر با کدام‌یک از ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو سازگاری دارد؟
- مسیر گذر چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی در آموزش کارآفرینی با کدام‌یک از ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو سازگاری دارد؟
- مسیر گذر چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی در آموزش کارآفرینی از کدام‌یک از ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو می‌گذرد؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت آمیخته، از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات توصیفی-استنتاجی و تحلیل محتوا و متن به شمار می‌رود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات چک‌لیست تحلیل محتوا برای انطباق با جداول شش‌گانه (Schiro (2008) در کتاب نظریه‌های برنامه درسی: دیدگاه‌های متضاد و نگرانی‌های مداوم اثر است، در بخش کمی نیز از نمودار و فرم رتبه‌بندی اقتباس شده از (Schiro (2008) برای تعیین مسیر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی استفاده شد. روش نمره‌گذاری این نمودار و فرم بدین صورت بود که ابتدا مجموع نمره هر ایدئولوژی در فرم رتبه‌بندی (جدول - ۷) وارد شد که در این جدول

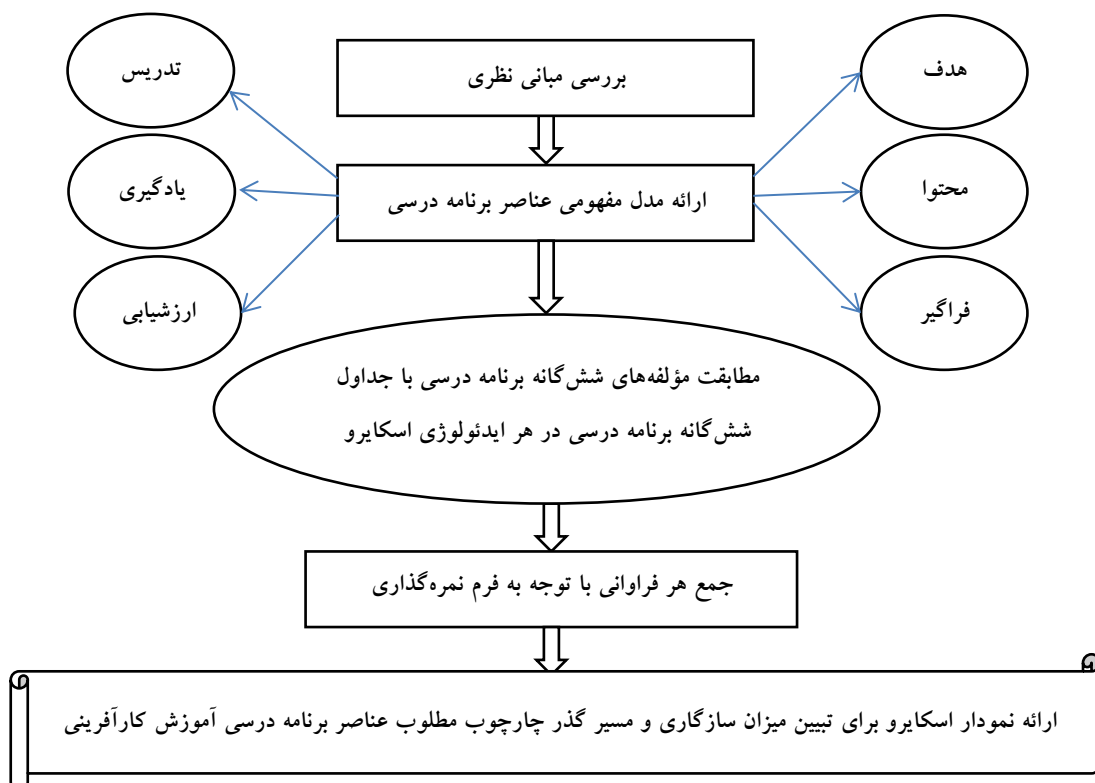
ارزشیابی) آموزش کارآفرینی در آموزش عالی تبیین شود. برای تعیین روایی چارچوب در اختیار ۴ متخصص برنامه‌ریزی درسی و آموزش کارآفرینی قرار گرفت که پس از اعمال نظرات آن‌ها چارچوب مورد نظر تأیید گردید. برای محاسبه پایایی باز آزمون از بین مصاحبه‌های صورت گرفته چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شد و هر کدام از مصاحبه‌ها در یک فاصله زمانی مشخص توسط خود پژوهشگر مورد کدگذاری قرار گرفت که در نهایت پایایی چارچوب در سطح قابل قبول ۰/۸۶ محاسبه شد. سپس چارچوب مورد نظر به‌عنوان چک‌لیست تحلیل محتوا در نظر گرفته شد. بدین صورت که چک‌لیست طراحی شده برای تحلیل محتوا در سؤالات اسکایرو که در خصوص چهار ایدئولوژی (دانش‌پژوهان علمی، کارایی اجتماعی، یادگیرنده محور و بازسازی اجتماعی) در کتاب خود در قالب شش جدول ذکر کرده است، تبیین و استدلال شد، سپس در مرحله بعد فراوانی هر کدام از ایدئولوژی‌ها در عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی) جمع گردید و در فرم نمره‌گذاری مختص (Schiro 2008) قرار داده شد. در مرحله آخر با توجه به جمع هر ایدئولوژی در عناصر شش‌گانه برنامه درسی (هدف، محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی) مورد نظر اسکایرو ایدئولوژی غالب برنامه درسی در قالب نمودار اقتباس شده از (Schiro 2008) برای تعیین مسیر گذر عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی تشریح گردید.

بخش (A) مربوط به ایدئولوژی دانش‌پژوهان علمی، بخش (B) مربوط به ایدئولوژی یادگیرنده محور، بخش (C) مربوط به ایدئولوژی بازسازی اجتماعی، بخش (D) مربوط به ایدئولوژی کارایی اجتماعی بود در مرحله دو برای ترسیم نمودار (نمودار-۳) در هر کدام از ایدئولوژی‌ها با توجه به عناصر برنامه درسی ایدئولوژی‌هایی که بیشتر نمره را در هر عنصر گرفته بودند یک نقطه در وسط مربع قرار داده شد، در این نمودار ترتیب بیشترین نمره از ۱ تا ۴ بود بدین صورت که ایدئولوژی که در هر عنصر بیشترین نمره را گرفته بود نقطه در مربع ۱ آن ایدئولوژی قرار داده شد و در مرحله آخر این نقاط به هم متصل گردید تا مسیر هر یک از عناصر برنامه درسی در هر ایدئولوژی مشخص گردد. به‌طور کلی فرایند پژوهش در این مطالعه در سه مرحله صورت گرفت: در ابتدا با جستجوی واژه‌های کلیدی؛ همچون آموزش کارآفرینی و تبیین عناصر هدف آموزش کارآفرینی، دانش آموزش کارآفرینی، روش تدریس آموزش کارآفرینی، نقش فراگیر در آموزش کارآفرینی، چگونگی فرایند یادگیری در آموزش کارآفرینی و فرایند ارزشیابی در آموزش کارآفرینی در پایگاه‌های داده‌های معتبر جهانی از جمله؛ اسکوپوس (Scopus)، پروکوئست (Pro Quest)، ساینس دایرکت (Science direct)، گوگل اسکالر (Google Scholar)، تیلور فرانسیس (Taylor & Francis) و همچنین پایگاه‌های داخلی مثل مگ ایران، نورمگز و پایگاه جهاد دانشگاهی سعی گردید چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و





شکل ۱. چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی



شکل ۲. مدل مفهومی فرایند پژوهش

### محور اول: هدف آموزش کارآفرینی

یقیناً مبحث آموزش کارآفرینی ذهن هر فرهیخته‌ای را به کنکاش می‌کشد که هدف اصلی آموزش کارآفرینی چیست؟ آیا هدف اصلی آن راه‌اندازی یک کسب‌وکار است؟ آیا هدف اصلی آموزش کارآفرینی این است که فرد در خصوص مسائل و چالش‌های روزمره زندگی با کسب اعتمادبه‌نفس و خلاقیت لازم موفقیت لازم را کسب کند؟ آیا هدف اصلی آموزش کارآفرینی کسب دانش و تئوری‌های لازم در خصوص حوزه کارآفرینی است؟

امروزه، آموزش‌های کارآفرینی به دنبال بهبود و انگیزش در تمایلات افراد همچون فرصت‌جویی، ابتکار، مخاطره‌پذیری و... است (Gibb, 1990). باین‌حال در خصوص هدف اصلی آموزش کارآفرینی در بین صاحب‌نظران اجماع چندانی وجود ندارد و هر کدام از این افراد با توجه به دیدگاه و محیط خود اهداف خاصی را برای آموزش کارآفرینی در نظر گرفته‌اند. مطابق با کمیسیون اروپا (European Commission 2008) هدف کلی از آموزش کارآفرینی افزایش دانش، نگرش و مهارت‌های دانش‌آموزان برای فعالیت در راه‌های کارآفرینانه چه در اهداف تجاری و چه غیرتجاری است. Kent & Calvin (1990) نیز معتقد است هدف اساسی آموزش کارآفرینی ارتقای شناخت فرصت‌ها است تا دانشجویان شایستگی‌های حرفه‌ای یک کارآفرین را کسب کنند.

Bechard & Toulouse (1998) ادعان دارند که هدف از آموزش کارآفرینی آگاهی کارآفرینی، ایجاد کسب‌وکار، رشد کسب‌وکارهای کوچک و آموزش مربیان است. (European Commission 2008) هدف اصلی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی را رشد توانایی‌های و ذهنیت کارآفرینانه می‌داند. (Zhou & Haixia 2012) نیز معتقدند که هدف اصلی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های اروپا رشد قابلیت‌ها و ذهنیت کارآفرینانه است که ضمن حمایت از زندگی روزمره در خانه و بیرون در اجتماع، یک مبنا در تأسیس کارآفرینی در

اجتماع یا فعالیت‌های تجاری نیز فراهم می‌کند؛ بنابراین هدف اصلی آموزش کارآفرینی پرورش فردی است که با کسب یک سری توانایی‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌ها به‌عنوان عضو سازنده در وظیفه و کار مختص خود به‌طور مؤثر واقع شده و عملکرد مثبتی در توسعه اقتصادی جامعه داشته باشد.

### محتوا آموزش کارآفرینی

در مبحث هدف آموزش کارآفرینی نشان داده شد که هدف اصلی آموزش کارآفرینی پرورش فردی است که با کسب یک سری توانایی‌ها و شایستگی‌ها به‌عنوان یک نیروی سازنده و فعال در توسعه اقتصادی جامعه مشارکت داشته باشد. باین‌حال بدیهی است، موفقیت فرد در دستیابی به این هدف در دنیای پیچیده، نامطمئن و در حال تغییری امروزی متأثر از پتانسیل موجود در محتوا برنامه درسی است. هود و یانگ با مطالعه بر روی صد نفر از مدیران ارشد اجرایی که در مدت پنج سال نرخ رشد حداقل دویست درصد داشته‌اند، مهم‌ترین عوامل محتوایی در موفقیت کسب‌وکار را چنین توصیف می‌کنند: مدیریت مالی و بودجه، مهندسی، حسابداری، دانش بازاریابی و فروش، روی‌هم‌رفته از بیست‌ونه زمینه محتوایی ذکر شده در زمینه مهارت‌ها، مهارت‌های رهبری، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های روابط انسانی به‌عنوان مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز برای کارآفرینی ذکر شده بود، اما داشتن فکر فرصت‌گرایانه، بینش و تفکر مثبت نیز مهم قلمداد شده بود، روی‌هم‌رفته هشت نوع عامل فکری و ذهنی مختلف ذکر شده بود، از میان ده عامل شخصیتی مختلف که ذکر شده بود، مهم‌ترینشان خودانگیزی، ریسک‌پذیری، عقل و درایت و ارزش بود، همه پاسخ‌دهندگان موافق بودند که تمام عوامل این چهار نوع زمینه مختلف به غیر از چند عامل شخصیتی می‌توانند تدریس شوند (Dana, 2001) Timmons & Stevenson (1985) نیز ادعان دارند که



(1994) نیز استفاده از گروه‌های کوچک، ایفای نقش و کار گروهی را روش‌های بسیار مناسبی برای آموزش کارآفرینی می‌داند. (Malekipour & et al (2016) نیز در پژوهش خود به روش‌هایی همچون؛ آموزش ترکیبی، مطالعه موردی، بحث گروهی، روش‌های مشارکتی، فعالیت‌های فوق‌برنامه در قالب بازی اشاره کرده‌اند. موازی با این پژوهش (Vesper & Gartner (1997) نیز به روش‌های تدریسی همچون مطالعات موردی، سخنرانی، مباحثه، نوشتن طرح‌های سرمایه‌گذاری در قالب کارگروهی و فردی در آموزش کارآفرینی تأکید داشتند. (Robertson & et al (2003) معتقد است که آموزش سنتی باعث منفعل بودن دانشجویان می‌گردد، در مقابل بهره‌گیری از روش یادگیری فعال باعث ایجاد فرصت‌هایی برای دانشجویان می‌شود تا با هم در تعامل باشند. با توجه به این شواهد آموزش کارآفرینی باید با تأکید بر روش‌های فعال تدریس یک سری تجارب را برای فراگیران فراهم نماید که ضمن منتهی شدن به معنی سازی و درک مسائل منجر به رشد فرد نیز گردد.

### یادگیرنده در آموزش کارآفرینی

در آموزش کارآفرینی از یادگیرنده انتظار می‌رود که بعد از فارغ‌التحصیلی قابلیت‌هایی همچون؛ نوآوری، تفکر خلاقانه و نقادانه، ارتباط مؤثر، مهارت‌های حل مسئله و همچنین چگونگی تصمیم‌گیری در مواقع چالش‌زا را فرا بگیرد. بدیهی است برای کسب این قابلیت‌ها، باید کل ابعاد شخصیتی یادگیرنده مورد نظر باشد تا با رشد و ترقی بتواند برای خود معنی سازی و درک مسائل را ایجاد کند. در فرایند آموزش کارآفرینی همچنین یادگیرنده باید به‌عنوان فردی فعال و پویا در نظر گرفته شود که ضمن تحریک نیازها، علایق و فرایندهای درونی همچون؛ تفکر خلاقانه و نقادانه، ارتباط مؤثر، نوآوری، اعتمادبه‌نفس، تصمیم‌گیری و روش‌های حل مسئله، تعامل و تجربه او با محیط اطراف نیز مورد تأکید قرار گیرد.

اخلاق باید به‌عنوان بخشی از برنامه درسی آموزش کارآفرینی تدریس شود. در طی مطالعه‌ای با عنوان نقش سرفصل و محتوای دروس تربیت‌بدنی در کارآفرینی دانش‌آموختگان (Farahani et al (2009) به این نتیجه دست یافتند که لزوم آموزش کارآفرینی به دانشجویان تربیت‌بدنی، ایجاد فضای میانه و تعاملی بین محیط‌های یادگیری و اجرا، تجدیدنظر و انطباق سرفصل و محتوا دروس با نیازهای جامعه و تدوین قوانینی که بتواند از نوآوری‌ها و خلاقیت در عرصه ورزش حمایت کند، ضروری است.

بنابراین می‌توان استدلال کرد که محتوا در برنامه درسی آموزش کارآفرینی باید به شکلی باشد که فرد با توجه به پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های دنیای امروزی خلاقیت، نوآوری و اعتمادبه‌نفس خود را برای عملکرد هر چه بهتر در تقابل با چالش‌ها افزایش دهد. بر این اساس محتوا بر مفاهیم شخصی تأکید دارد تا فراگیران با استفاده از تجربه مستقیم دنیای اطراف و واکنش به تجارب کسب شده خود باروری و تحریک ذهنی خود را ارتقا دهند.

### روش تدریس آموزش کارآفرینی

یکی از عناصر اصلی برنامه درسی که نقش لاینفکی را در کسب و پرورش شایستگی‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینانه فراگیران دارد، بهره‌گیری از روش‌های تدریس مناسب برای بهبود فرایند یاددهی-یادگیری کارآفرینی است. بررسی شواهد بیانگر این است که آموزش کارآفرینی نه به‌عنوان یک فرایند مکانیکی، بلکه به‌عنوان یک فرایند ارگانیکی و پویا محسوب می‌شود. در این راستا (Gibb (1987) به روش‌های جدید تدریس اشاره می‌کند که مستلزم یادگیری مشترک بین مربی و فراگیر است که در آن مربی به‌عنوان تسهیل‌کننده ایفای نقش می‌کند. (Harris (2007) اذعان دارد استفاده از روش سخنرانی در دانشگاه روش مناسبی برای آموزش کارآفرینی نیست. (Garavan & O'Conneide

### یادگیری در آموزش کارآفرینی

Elyasi & et al (2012) اذعان دارند که شیوه برگزاری کلاس‌ها امروزه عمدتاً مرور کتب و مقالات نظری به صورت سخنرانی توسط دانشجو و یا استاد است و کمتر به چگونگی ایجاد کسب‌وکار توسط دانشجو اشاره می‌شود و بی‌توجهی به این مسئله سرخوردگی دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد کسب‌وکار را در پی داشته است؛ بنابراین بهره‌گیری از یادگیری فعال می‌تواند به عنوان راهبردی مطلوب برای ایجاد انگیزه در فراگیران بکار گرفته شود. یادگیری فعال حاصل فعالیت‌های آموزشی است که فراگیر را در انجام امور و فکر کردن در مورد کاری که انجام می‌دهند، درگیر می‌کند و مستلزم این است که فراگیران مسئول یادگیری خوشان باشند، نه اینکه فقط معلم عهده‌دار این امر باشد (Bonwell & Eison 1991). یادگیری فعال دارای مشخصاتی همچون؛ فراگیر به عنوان موجودی فعال، فراگیر به عنوان مشارکت‌کننده، فراگیر به عنوان ارزیاب و کنترل‌کننده خود و معلم به عنوان تسهیل‌کننده و همکار است (Labinowicz, 2004). با توجه به نقش فعال یادگیرنده در فرایند یاددهی - یادگیری فرایند یادگیری در آموزش کارآفرینی فرایندی خطی و یکسان نیست، بلکه یادگیری در آموزش کارآفرینی فرآورده رشد است که به واسطه آن یادگیرندگان خود را باور کرده به ایجاد معنی و مفهوم می‌پردازند و این نتیجه تعامل آن‌ها با محیط اطراف است.

### فرایند ارزشیابی در آموزش کارآفرینی

ارزشیابی به عنوان یکی از عناصر اصلی برنامه درسی آموزش کارآفرینی نقش مهمی را بر بهبود فرایند یاددهی - یادگیری فراگیران دارد؛ زیرا در فرایند ارزشیابی تعیین چگونگی سنجش آموزش کارآفرینی برای بررسی میزان پیشرفت فراگیران مورد نظر است. بر این اساس از آنجاکه هدف از آموزش کارآفرینی پرورش فراگیرانی است که با کسب یک سری مهارت و

شایستگی‌ها به عنوان عضو فعال در وظیفه و کار مختص خود عملکرد مثبتی در توسعه اقتصادی جامعه داشته باشند، لذا ضروری است که از فرایندهای ارزشیابی مناسب برای تعیین هر چه بهتر چگونگی پیشرفت فراگیران استفاده شود. در این راستا Shokrolah & et al (2006) اذعان دارند که بهره‌گیری از شیوه‌های ارزشیابی جدید نقش بسزایی در رشد معلومات، توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی و فراشناختی و همچنین توسعه نگرش‌های فراگیران فراهم دارد؛ بنابراین ارزشیابی باید بر ارزشیابی تکوینی و پایانی مبتنی باشد تا علاوه بر کمک به فرد در تشخیص نیازهای خود، تسهیل‌کننده پیشرفت فرد در کسب و اصلاح مهارت‌های فکری و عملی نیز باشد.

### محور دوم: ایدئولوژی‌های اسکایرو

اسکایرو در اثر خود (۲۰۰۸) نظریه‌های برنامه درسی: دیدگاه‌های متضاد و نگرانی‌های مداوم به چهار ایدئولوژی برنامه درسی (دانش‌پژوهان علمی، کارایی اجتماعی، یادگیرنده محور و بازسازی اجتماعی) اشاره کرده است که هر کدام از این ایدئولوژی‌ها با مؤلفه‌های شش‌گانه برنامه درسی شامل؛ هدف، تدریس، یادگیری، محتوا، فراگیر و ارزشیابی در قالب یک سری جداول مورد مقایسه قرار می‌دهد. لذا در جهت تعیین ایدئولوژی غالب در چارچوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی جداول مورد نظر اسکایرو (۲۰۰۸) در زیر آورده شده است. در این مرحله ویژگی هر کدام از عناصر که با چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی که در مرحله قبل استخراج شد، مطابقت داشته باشد در کنار آن ویژگی علامت<sup>۱</sup> قرار داده شد و هر کدام از ویژگی‌های عناصر برنامه درسی که با ویژگی‌های چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی مطابقت نداشت علامت ---- قرار داده شد، در آخر نیز جمع هر کدام از خانه‌ها به عنوان مجموعه فراوانی قرار داده شد.

جدول ۱. مقایسه مؤلفه هدف در ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو با چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی

اهداف	دانش‌پژوهان آکادمیک	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	بازسازی اجتماعی
هدف چیست؟	جاودانه کردن رشته‌های علمی	ایجاد مهارتی به صورت علمی و جامع	تحریک رشد افراد	از بین بردن جنبه‌های نامطلوب فرهنگ
	----	√	----	----
مربیان برای چه نوع مخاطبان یا آرمانی فعالیت می‌کنند؟	با سواد کردن افراد	عملکرد مؤثر و علمی	ایجاد تجارب برای معانی‌سازی	بازسازی فرهنگ
	----	√	----	----
آیا مربیان خودشان را مسئول مخاطبان تلقی می‌کنند؟	خود را مسئول مخاطبان می‌دانند	خود را عوامل غیر متعصب می‌دانند.	خود را مسئول نمی‌دانند.	خود را مسئول می‌دانند.
	----	√	----	----
جمع فراوانی هر ایدئولوژی	۰	۳	۰	۰

√ مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای توافق در مورد آن‌هاست.

---- مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای تفاوت در مورد آن‌هاست.

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که در عنصر هدف برنامه درسی، ایدئولوژی کارایی اجتماعی با فراوانی ۳ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و دیگر ایدئولوژی هیچ فراوانی را کسب نکرده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که چارچوب مطلوب عناصر برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در خصوص عنصر هدف بیشترین همخوانی را با ایدئولوژی کارایی اجتماعی از دیدگاه اسکایرو دارد.

جدول ۲. مقایسه مؤلفه محتوا در ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو با چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی

محتوا	دانش‌پژوهان آکادمیک	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	بازسازی اجتماعی
ماهیت محتوا؟	بیانات و توضیحات تعلیمی و آموزشی	توانمندی برای عمل	معانی فردی	هوش و فهم و حالت اخلاقی
	----	----	√	----
دانش چه توانایی به فرد می‌دهد؟	فهمیدن	عمل کردن	شکوفایی فردی	تفسیر و بازسازی جامعه
	----	----	√	----
منبع دانش چیست؟	توسط دیسپلین‌ها تأیید می‌شود.	واقعیت‌های عینی هنجاری که به‌طور اجتماعی تفسیر می‌شود.	خلاقیت فردی	تفسیر فرد: گذشته حال و آینده
	----	----	√	----
دانش قدرت و اختیار خود را از کجا می‌آورد؟	دیسپلین‌های آکادمیک	توانایی آن برای پایداری مهارت در افراد جامعه	معنی که برای صاحب آن دارد.	دیدگاه افراد از جامعه خود آینده
	----	----	√	----
حقیقت دانش چگونه تأیید می‌شود؟	میزانی که در ذات یک دیسپلین انعکاس می‌یابد	دیدن که با دیدگاه جامعه از ماهیت واقعیت تجربی مطابقت دارد	بینش‌های فردی دارنده دانش	عقاید افراد در توانایی برای اصلاح جامعه
	----	----	√	----
جمع فراوانی هر ایدئولوژی	۰	۰	۵	۰

√ مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای توافق در مورد آن‌هاست.

---- مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای تفاوت در مورد آن‌هاست.

جدول ۲ نشان می‌دهد که در عنصر محتوا برنامه درسی، ایدئولوژی یادگیرنده محور با فراوانی ۵ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و دیگر ایدئولوژی هیچ فراوانی را کسب نکرده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که چارچوب مطلوب برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در خصوص عنصر محتوا بیشترین سازگاری را با ایدئولوژی یادگیرنده محور از دیدگاه اسکیرو دارد.

جدول ۳. مقایسه مؤلفه یادگیری در ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکیرو با چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی

یادگیری	دانش پژوهان آکادمیک	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	بازسازی اجتماعی
آیا یادگیری از دیدگاه دریافت‌کننده بررسی می‌شود یا یادگیرنده؟	انتقال دهنده	انتقال دهنده	دریافت‌کننده	انتقال دهنده
	----	----	√	----
آیا یادگیری تابع طبیعی رشد است یا یک کارکرد انتقال اجتماعی؟	انتقال اجتماعی	انتقال اجتماعی	رشد	انتقال اجتماعی
	----	----	√	----
آیا یادگیری فرایندی یکپارچه است یا مجزا؟	مجزا	مجزا	یکپارچه	یکپارچه
	----	----	√	√
آیا یادگیری تغییر ذهن است یا تغییر رفتار؟	ذهن	رفتار	ذهن	ذهن
	√	√	√	√
آیا نتیجه مطلوب یادگیری تغییر ذهن است یا تغییر رفتار؟	ذهن	رفتار	ذهن	رفتار
	√	√	√	√
اولین کسی که فعالیتی در طول یادگیری انجام می‌دهد یادگیرنده است یا عامل؟	عامل	عامل/یادگیرنده	یادگیرنده	عامل/یادگیرنده
	----	----	√	----
آیا نظریه یادگیری رسمی مورد نظر است؟ چه نظریه‌ای؟	نه (رشته‌های علمی)	بله (رفتارگرایی)	بله (رشدی و ساختارگرایی)	بله (ساختارگرایی اجتماعی)
	----	----	√	----
چگونه مسئله آمادگی برای یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد؟	به‌وسیله ساده کردن موضوعات دشوار	به‌وسیله توانمندی‌های رفتاری پیش‌نیاز	مراحل رشد	گشتالت‌سازی از تجارب قبلی
	----	----	√	----
به مسئله آموزش فردی چطور پرداخته می‌شود؟	افراد برحسب موفقیتشان گروه‌بندی می‌شوند.	به‌وسیله فراهم کردن وظایف استاندارد برای همگان با سبک‌های مختلف یادگیری	به‌وسیله تسهیل‌سازی برای رشد افراد	استفاده از علائق فرد برای شکل‌دهی به اجتماع
	----	----	√	----
جمع فراوانی هر ایدئولوژی	۲	۲	۹	۳

√ مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای توافق در مورد آن‌هاست.  
 ---- مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای تفاوت در مورد آن‌هاست.

جدول ۳ نشان می‌دهد که در عنصر محتوا برنامه درسی، ایدئولوژی یادگیرنده محور با فراوانی ۹ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و ایدئولوژی بازسازی اجتماعی با فراوانی ۳ در رتبه بعدی و ایدئولوژی کارایی اجتماعی و دانش‌پژوهان علمی با فراوانی ۲ در رتبه‌های بعدی قرار دارند؛ بنابراین می‌توان گفت که چارچوب مطلوب برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در خصوص عنصر یادگیری بیشترین سازگاری را با ایدئولوژی یادگیرنده محور از دیدگاه اسکایرو دارد.

جدول ۴. مقایسه مؤلفه یادگیری در ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو با چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی

فراگیر	دانش‌پژوهان آکادمیک	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	بازسازی اجتماعی
فراگیران به‌عنوان عامل فعال یا منفعل عمل می‌کنند؟	منفعل	فعال	فعال	فعال
آیا فراگیران به‌عنوان موجوداتی با ارزش تلقی می‌شوند یا بدون ارزش؟	خیر	خیر	بله	بله
آیا مربیان به فرایندهای درونی فراگیران توجه می‌کنند یا بیرونی؟	درونی	بیرونی	درونی	بیرونی
آیا مربیان به ذهن فراگیران توجه می‌کنند یا به رفتار آن‌ها؟	ذهن	رفتار	ذهن	رفتار
آیا فراگیران افرادی یکپارچه و منسجم تلقی می‌شوند یا مجزا؟	مجزا	مجزا	یکپارچه	یکپارچه
آیا مربیان به خود فراگیر توجه می‌کنند یا به رفتار و ویژگی‌های آن‌ها؟	رفتارها و ویژگی‌های آن‌ها	رفتارها و ویژگی‌های آن‌ها	خود فراگیر	رفتارها و ویژگی‌های آن‌ها
آیا مربیان به ویژگی‌های فعلی فراگیران توجه می‌کنند یا به آنچه در آن‌ها ایجاد شود؟	به آنچه باید در آن‌ها ایجاد شود	به آنچه باید در آن‌ها ایجاد شود	به ویژگی‌های فعلی فراگیر (آن‌طور که هستند)	به آنچه باید در آن‌ها ایجاد شود
آیا فراگیران به‌عنوان افرادی منحصربه‌فرد نگریسته می‌شوند یا مرتبط با یک سری هنجارها و معیارهای استاندارد؟	مرتبط با یک سری هنجارها و معیارهای استاندارد	مرتبط با یک سری هنجارها و معیارهای استاندارد	افرادی منحصربه‌فرد	مرتبط با یک سری هنجارها و معیارهای استاندارد
آیا فراگیران در زمینه اجتماعی بررسی می‌شوند یا خارج از زمینه‌های اجتماعی؟	در زمینه دیسپلین	در زمینه جامعه کنونی	خارج از زمینه	در زمینه آینده جامعه
جمع فراوانی هر ایدئولوژی	۲	۱	۹	۳

۷ مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای توافق در مورد آن‌هاست.  
 ---- مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای تفاوت در مورد آن‌هاست.

ایدئولوژی کارایی اجتماعی و با فراوانی ۱ در رتبه‌های بعدی قرار دارند؛ بنابراین می‌توان گفت که چارچوب مطلوب برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در خصوص عنصر یادگیری بیشترین سازگاری را با ایدئولوژی یادگیرنده محور از دیدگاه اسکایرو دارد.

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در عنصر یادگیرنده برنامه درسی، ایدئولوژی یادگیرنده محور با فراوانی ۹ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و ایدئولوژی بازسازی اجتماعی با فراوانی ۳ در رتبه بعدی و ایدئولوژی دانش‌پژوهان علمی با فراوانی ۲ و

جدول ۵. مقایسه مؤلفه تدریس در ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو با چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی

تدریس	دانش‌پژوهان آکادمیک	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	بازسازی اجتماعی
نقش استاد در طول تدریس چیست؟	انتقال دهند	مدیر	تسهیل کننده	همکار
	----	----	√	----
وظیفه استاد انتقال علم و دانش است یا فراهم‌سازی محیط یادگیری و نظارت در آن؟	انتقال علم و دانش	فراهم‌سازی محیط یادگیری و نظارت	فراهم‌سازی محیط یادگیری و نظارت	فراهم‌سازی محیط یادگیری و نظارت
	----	√	√	√
برای اندازه‌گیری کارایی استاد چه استانداردهایی استفاده می‌شود؟	ارائه درست دیسپلین	کارایی یادگیری فراگیر	تسهیل رشد فراگیر	انتقال دیدگاه مؤثر
	----	----	√	----
ایا اساتید برنامه‌های درسی را بدون هیچ تغییری مورد استفاده قرار می‌دهند یا مطابق شرایط آن‌ها را تغییر می‌دهند؟	به‌طور مستقیم و بدون هیچ تغییر	به‌طور مستقیم و بدون هیچ تغییر	مطابق با نیازهای فراگیر	مطابق با نیازهای جامعه
	----	----	√	----
ایا وظیفه استاد و برنامه‌ریزان درسی این است که تفاوت‌های فردی را در نظر بگیرند و مطابق آن عمل کنند؟	وظیفه هیچ‌کدام	وظیفه معلم	وظیفه هر دو	وظیفه معلم
	----	----	√	----
در طول تدریس از چه وسایلی استفاده می‌شود؟	گفتمان آموزشی	آموزش برنامه‌ای	تعامل فراگیر با محیط	پویایی گروهی
	----	----	√	----
هدف تدریس چیست؟	پیشرفت فراگیر در یک دیسپلین	آماده کردن فراگیر برای انجام مهارت	برانگیختن رشد فراگیر	فرهنگ پذیری فراگیر
	----	----	√	----
ایا مربیان به کل جنبه‌های شخصیتی کودک توجه می‌کنند یا تنها به یک بعد توجه می‌کنند؟	به بعد شناختی	به بعد مهارتی	کل جنبه‌های شخصیتی فراگیر	کل جنبه‌های شخصیتی فراگیر
	----	----	√	√
ایا ویژگی‌ها، عقاید و تفسیرهای اساتید مهم هستند؟	نه	نه	بله	بله
	----	----	√	√
ایا از اساتید و معلمان انتظار می‌رود تحقیقات و پژوهش‌های کلاسی انجام بدهند.	نه	نه	بله	بله
	----	----	√	√
جمع فراوانی هر ایدئولوژی	۰	۱	۱۰	۴

√ مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای توافق در مورد آن‌هاست.

---- مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای تفاوت در مورد آن‌هاست.



جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در عنصر تدریس برنامه درسی، ایدئولوژی یادگیرنده محور با فراوانی ۱۰ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و ایدئولوژی بازسازی اجتماعی با فراوانی ۴ در رتبه بعدی و ایدئولوژی کارایی اجتماعی با فراوانی ۴ و ایدئولوژی دانش‌پژوهان ۵ نشان می‌دهد که در عنصر تدریس برنامه درسی، ایدئولوژی یادگیرنده محور با فراوانی ۱۰ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و ایدئولوژی بازسازی اجتماعی با فراوانی ۴ در رتبه بعدی و ایدئولوژی کارایی اجتماعی با فراوانی ۴ و ایدئولوژی دانش‌پژوهان علمی بدون فراوانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند؛ بنابراین می‌توان گفت که چارچوب مطلوب برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در خصوص عنصر یادگیری بیشترین سازگاری را با ایدئولوژی یادگیرنده محور از دیدگاه اسکیپرو دارد.

جدول ۶. مقایسه مؤلفه یادگیری در ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکیپرو با چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی

ارزشیابی	دانش‌پژوهان آکادمیک	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	بازسازی اجتماعی
هدف از ارزشیابی فراگیر برای ارزشیاب‌کننده چیست؟	برای رتبه‌بندی ارزش‌یابی شوندگان	برای اثبات میزان دستیابی به مهارت‌های خاص	برای تشخیص توانایی‌های دانشجویان در جهت تسهیل رشد	برای اندازه‌گیری پیشرفت دانشجویان با توجه به توانمندی‌اش
-----	-----	-----	√	-----
هدف از ارزشیابی فراگیر برای ارزشیاب‌شونده چیست؟	برای آزمون توانایی در آنچه انتقال داده شده است	برای آزمون توانایی برای عمل در یک وظیفه خاص	برای انعکاس به ارزشیاب‌شوندگان در رابطه با میزان پیشرفت	برای اجازه دادن به دانش‌آموزان که ارزششان را برای دیگران نشان می‌دهند.
-----	-----	-----	√	-----
آیا طراحی ارزشیابی قسمتی از برنامه‌ریزی درسی است؟	خیر	بله	خیر	خیر
-----	-----	-----	√	√
ماهیت ابزارهای ارزشیابی‌کننده مورد استفاده برای ارزشیابی فراگیر چیست؟	هنجارمدار	ملاک مدار	غیررسمی - عینی - تشخیصی	غیررسمی - عینی - تشخیصی
-----	-----	-----	√	√
آیا ابزارهای عینی برای ارزشیابی استفاده می‌شود یا ذهنی؟	عینی	عینی	ذهنی	ذهنی
-----	√	√	√	√
آیا ارزشیابی از دیدگاه کل‌نگر بررسی می‌شود یا مجزا؟	مجزا	مجزا	کل‌نگر	کل‌نگر
-----	-----	-----	√	√
نتایج ارزشیابی به نفع چه کسانی است؟	دانش‌پژوهان و مدیران رشته‌های علمی	مربیان و ذینفعان (جامعه، والدین و مربیان)	فراگیر	معلم
-----	-----	-----	√	-----
در طول ارزشیابی تأکید رو هنجارهای فردی است یا گروهی یا اینکه معیاری خاص مورد نظر است؟	هنجارهای گروهی	معیار	فردی	فردی با توجه به معیار
-----	-----	-----	√	-----
آیا ارزشیابی در حین فرایند آموزشی صورت می‌گیرد یا بعد آن؟	بعد از آموزش	بعد از آموزش	در طول آموزش	در طول آموزش
-----	-----	-----	√	√
چه وقت برای کار خوب دانشجویان تعریف می‌شود؟	بعد از ارزشیابی	قبل از ارزشیابی	هیچ‌وقت	هیچ‌وقت
-----	-----	-----	√	√
جمع فراوانی هر ایدئولوژی	۱	۱	۱۰	۶

√ مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای توافق در مورد آن‌هاست.  
 ----- مواردی که با این علامت مشخص شده‌اند، به معنای تفاوت در مورد آن‌هاست.

علمی با فراوانی ۱ در رتبه‌های بعدی قرار دارند؛ بنابراین می‌توان گفت که چارچوب مطلوب برنامه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در خصوص عنصر یادگیری بیشترین سازگاری را با ایدئولوژی یادگیرنده محور از دیدگاه اسکایرو دارد.

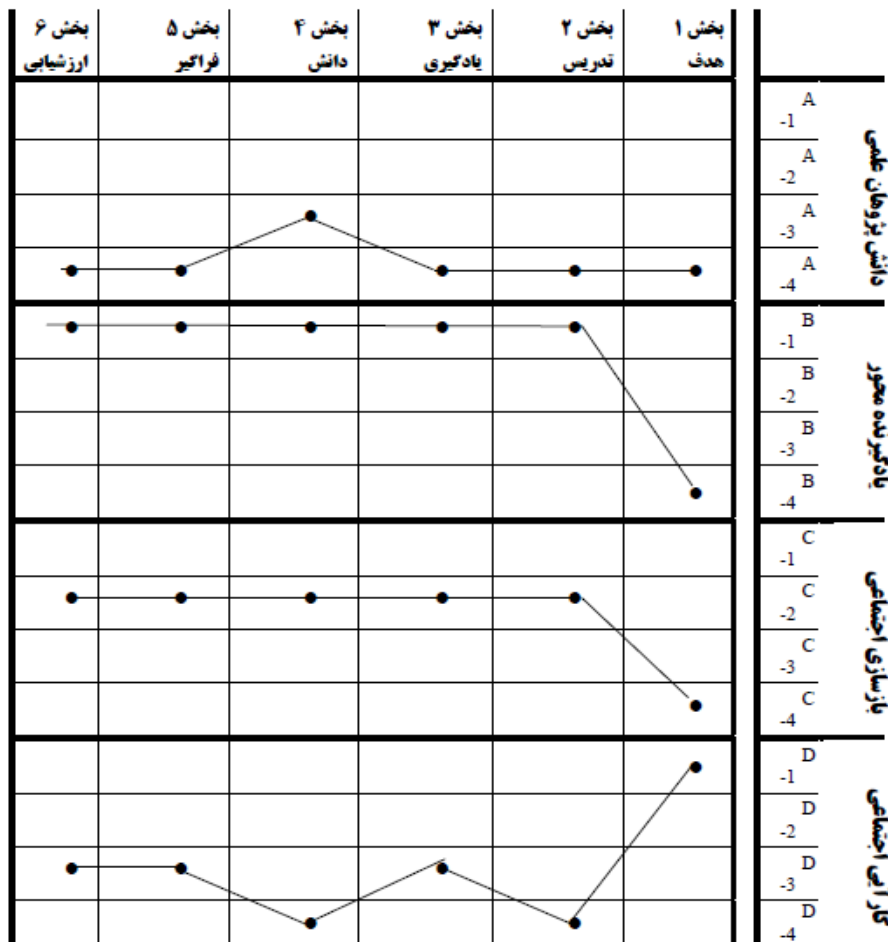
جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که در عنصر ارزشیابی برنامه درسی، ایدئولوژی یادگیرنده محور با فراوانی ۱۰ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و ایدئولوژی بازسازی اجتماعی با فراوانی ۶ در رتبه بعدی و ایدئولوژی کارایی اجتماعی و ایدئولوژی دانش پژوهان

جدول ۷. فرم نمره‌گذاری پرسشنامه ایدئولوژی برنامه درسی

بخش ۶	بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
D-2	D-3	A-3	D-3	D-4	C-4
B-1	A-4	B-1	A-4	C-2	D-1
C-3	B-1	D-4	B-1	B-1	A-4
A-4	C-2	C-2	C-2	A-4	B-4

بازسازی اجتماعی، بخش (D) مربوط به ایدئولوژی کارایی اجتماعی است.

در جدول ۷ بخش (A) مربوط به ایدئولوژی دانش پژوهان علمی، بخش (B) مربوط به ایدئولوژی یادگیرنده محور، بخش (C) مربوط به ایدئولوژی



نمودار ۳. مسیر گذر عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در هر ایدئولوژی برنامه درسی اسکایرو

در وظیفه و کار مختص خود مؤثر واقع شده و عملکرد مثبتی در توسعه اقتصادی جامعه داشته باشد. Malekipour & et al (2016), Sharif & et al (2011) در تحقیقات خود بر عدم مطلوبیت اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی اشاره کردند، بنابراین می‌توان استدلال کرد یافته‌های این پژوهش می‌تواند به‌عنوان راهبردی مطلوب برای تعیین اهداف آموزش کارآفرینی تلقی گردد. در عنصر محتوا نیز برنامه درسی آموزش کارآفرینی باید به شکلی باشد که با توجه به پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های دنیای امروزی خلاقیت، نوآوری و اعتمادبه‌نفس فرد را برای عملکرد هر چه بهتر در تقابل با چالش‌ها افزایش دهد. محتوا همچنین باید بر مفاهیم شخصی تأکید داشته باشد تا فراگیران با استفاده از تجربه مستقیم دنیای اطراف و واکنش به تجارب کسب شده خود باروری و تحریک ذهنی خود را ارتقا دهند. Malekipour & et al (2016), Sharif & et al (2012) Safari & et al (2011) در مطالعه خود گزارش کردند که محتوا برنامه درسی آموزش کارآفرینی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، لذا می‌توان گفت که برای آموزش کارآفرینی محتوا برنامه درسی موجود باید تغییر پیدا کند. در عنصر روش تدریس آموزش کارآفرینی نیز باید یک سری تجارب برای فراگیران تدارک دیده شود که ضمن منتهی شدن به معنی‌سازی و درک مسائل منجر به رشد فرد نیز شود، بر این اساس می‌توان از روش‌های فعال تدریس همچون: روش حل مسئله، بحث گروهی، گردش علمی، تدریس مبتنی بر پروژه، فیلم‌های آموزشی، بازی‌های جدی یا شبیه‌ساز بهره برد. Malekipour & et al (2016), Sharif & et al (2012) Safari & et al (2011) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که روش‌های تدریس برنامه درسی آموزش کارآفرینی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و به آموزش کارآفرینی منجر نمی‌شود.

در عنصر فراگیر در برنامه درسی، یادگیرنده باید به‌عنوان فردی فعال و پویا در نظر گرفته شود که ضمن تحریک نیازها، علائق و فرایندهای درونی همچون؛ تفکر

نمودار ۳ نشان می‌دهد که مسیر گذر عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی با توجه به ایدئولوژی غالب در هر عنصر متفاوت است. بدین‌صورت که در عنصر هدف برنامه درسی، دیدگاه غالب ایدئولوژی کارایی اجتماعی است و در عناصر محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی دیدگاه غالب ایدئولوژی یادگیرنده محور است؛ بنابراین می‌توان گفت که مسیر گذر عنصر هدف برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی از ایدئولوژی کارایی اجتماعی و عناصر محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی از ایدئولوژی یادگیرنده محور است.

### بحث و نتیجه‌گیری

امروزه آموزش کارآفرینی به‌عنوان جز لاینفک پیدایش دانشگاه‌های کارآفرین، مهم‌ترین نقش را در مأموریت این نوع دانشگاه‌ها یعنی تربیت نیروهای انسانی کارآفرین برای ارتباط با صنعت ایفا می‌کند. هدف پژوهش حاضر تبیین سازگار و مسیر گذر چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی از ایدئولوژی‌های برنامه درسی اسکایرو بود. نتایج پژوهش به‌طور کلی نشان داد که چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی بیشترین همخوانی را با ایدئولوژی یادگیرنده محور دارد و مسیر گذر چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی در عنصر هدف برنامه درسی از مسیر کارایی اجتماعی و عناصر دیگر برنامه درسی شامل؛ محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی نیز از مسیر یادگیرنده محور پیموده می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تبیین چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی مستلزم توجه به هدف، محتوا، روش‌های تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی است. در عنصر هدف برنامه درسی این پژوهش نشان داد که هدف اصلی آموزش کارآفرینی پرورش فردی است که با کسب یک سری توانایی‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌ها به‌عنوان عضو سازنده

یادگیری در آموزش کارآفرینی نیز به عنوان یک فرایند خطی و یکسان تلقی نمی‌شود، بلکه فرایند یادگیری امری مستمر و غیرخطی است که با توجه به فضای و محیط آموزشی تغییر پیدا می‌کند؛ و در آخر ارزشیابی در چارچوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی باید علاوه بر کمک به فرد در تشخیص نیازهای خود، تسهیل کننده پیشرفت فرد در کسب و اصلاح مهارت‌های فکری و عملی نیز باید باشد (Malekipour & et al (2016), Sharif & et al (2011), (2016) در تحقیقات خود گزارش کردند که ارزشیابی‌های آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران در وضعیت مناسبی قرار ندارد، زیرا این نوع ارزشیابی بر آزمون‌های کمی و پایان ترم مبتنی هستند، از این رو می‌توان گفت برای اثربخشی و مطلوبیت فرایند ارزشیابی برنامه درسی آموزش کارآفرینی، فرایند ارزشیابی باید هم آزمون‌های ملاک مدار و عینی و هم آزمون‌های ذهنی و توصیفی را مورد توجه قرار دهد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که در هر یک از عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش عالی یک ایدئولوژی غالب وجود دارد که طراحی و تدوین آن متأثر از وضعیت هر یک از عناصر برنامه درسی در آن ایدئولوژی است. بر این اساس در عنصر هدف دیدگاه غالب ایدئولوژی کارایی اجتماعی است و در عناصر محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی ایدئولوژی یادگیرنده محور غالب است.

بنابراین از آنجاکه هدف آموزش کارآفرینی تربیت افرادی شایسته هم با کسب قابلیت‌های تجاری همچون راه‌اندازی کسب‌وکار، اشتغال‌زایی و هم کسب اهداف غیرتجاری مانند افزایش اعتمادبه‌نفس، خلاقیت و نوآوری در برخورد با چالش‌های زندگی است و موفقیت در این امر در آموزش عالی در گرو طراحی دوره‌های آموزشی اثربخش برای آموزش کارآفرینی به دانشجویان است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که اساتید، مؤلفان و طراحان برنامه درسی آموزش کارآفرینی در آموزش

خلاقانه و نقادانه، ارتباط مؤثر، نوآوری، اعتمادبه‌نفس، تصمیم‌گیری و روش‌های حل مسئله، تعامل و تجربه او با محیط اطراف نیز مورد تأکید قرار گیرد. عنصر فرایند یادگیری نیز با توجه به نقش فعال فراگیر در فرایند یاددهی - یادگیری پروسه‌ای خطی و یکسان نیست، بلکه یادگیری فرآورده رشد است که به واسطه آن یادگیرندگان خود را باور کرده و به ایجاد معنی و مفهوم می‌پردازند و این نتیجه تعامل آن‌ها با محیط اطراف است. عنصر فرایند ارزشیابی در آموزش کارآفرینی نیز باید بر آزمون‌های تکوینی و پایانی مبتنی باشد تا فراگیران و اساتید با توجه به ارزشیابی صورت گرفته در همه مراحل یادگیری ضمن تشخیص نیازهای خود از خطاهای عینی یا ذهنی خود درس گرفته و پیشرفت همه‌جانبه خود را مورد توجه قرار دهند. با توجه به این نتایج می‌توان استدلال کرد، اساتید، مؤلفان و طراحان برنامه‌ریزی درسی برای طراحی و تدوین چارچوب مطلوب عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی باید اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی را بر یک سری مهارت‌ها و شایستگی‌های ملموس و مشخص استوار کنند تا دانشجو بعد از فارغ‌التحصیلی موفقیت لازم را در کسب این توانایی‌ها و ویژگی‌ها کسب کند. باین حال با توجه به تغییرات و پیچیدگی‌های دنیای کنونی محتوای برنامه درسی ضمن توجه به نیازها و علائق فرد بر تحولات و دگرگونی‌ها جامعه نیز باید مبتنی باشد تا ضمن تسهیل دستیابی فرد به شایستگی‌ها و توانایی‌های لازم انعطاف‌پذیری این توانایی‌ها را برای تطبیق با شرایط روز فراهم آورد. در این راستا برای تدریس محتوا آموزش کارآفرینی از روش‌های تدریس فعال همچون؛ مشارکت گروهی، ایفای نقش، مطالعه موردی، بحث گروهی و بازهای شبیه‌سازی می‌توان بهره گرفت. برنامه ریزان درسی در طراحی و تدوین برنامه درسی همچنین باید فراگیران را به عنوان افرادی منحصر به فرد، در نظر بگیرند که نیازها، علائق و ویژگی‌های آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

- Garavan, T. N., & O’Cinneide, B. (1994). Entrepreneurship Education and Training Programmes: A Review and Evaluation – Part 2. *Journal of European Industrial Training*, 18(11); 13–21.
- Ghina, A., Simatupang, T. M., & Gustomo, A. (2014). “A Systematic Framework for Entrepreneurship Education within a University Context”. *International Education Studies*, 7(12): pp. 1-19.
- Gholi, Z., Mghtadi, M. (2008). A Study of the Dimensions Entrepreneurship Development Project. *Research in Curriculum Planning*, 19(22): 96-76. [Persian]
- Gibb AA (1987). Enterprise cultur – Its meaning and implication for education and training *Journal of European Industrial Training* 1(2): 78-92.
- Gibb, A. (1990). *Entrepreneurship and small business management: Can we afford to neglect them in the twenty-first century business school?* British Academy of Management.
- Gibb, A. (2002). In pursuit of a new enterprise and ‘entrepreneurship paradigm for learning: creative destruction, new values, new ways of doing things and new combinations of knowledge. *International Journal of Management Reviews*, 4(3): 233-269.
- Günzel-Jensen, F., Robinson, S., & Robinson, S. (2017). “Effectuation in the undergraduate classroom: Three barriers to entrepreneurial learning”. *Education+ Training*, 59(7/8): 780-796.
- Harris, M.L., Gibson, S.G. (2008). Examining the entrepreneurial attitudes of US business students. *Education + Training*, 50(7): 568-81.
- Kent, Calvin A. (1990). *Entrepreneurship Education: Current Developments, Future Directions*. New York: Quorum Books, 1990.
- Kiessling, T. (2004). Entrepreneurship and Innovation: Austrian School of Economics to Schumpeter to Drucker to Now. *Journal of Applied Management and Entrepreneurship*, 9(1): 80-91.
- Labinowicz, L. (2004). What is active learning. Available at: <http://www.education.nsala.edu/vivalry/what.htm>.
- Lackeus, M. (2015). *Entrepreneurship in education: What, why, when, how*. Entrepreneurship 360. Background Paper. Paris: OECD.
- عالی در تعیین هدف برنامه درسی آموزش کارآفرینی با دیدگاه ایدئولوژی کارایی و در عناصر محتوا، روش تدریس، فراگیر، یادگیری و ارزشیابی با دیدگاه یادگیرنده‌محور نسبت به طراحی چارچوب مطلوب برنامه درسی آموزش کارآفرینی اقدام کنند.

#### منابع

- Bechard, J., & Toulouse, J. (1998). Validation of a didactic model for the analysis of training objectives in entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 13(4): 317-332.
- Bonwell, C. C., & Eison, J. A. (1991). Active learning: Creating excitement in the classroom. Available at: [www.ericdigests.org/1992-4/active.htm](http://www.ericdigests.org/1992-4/active.htm).
- Cotti, R., & Schiro, M. (2004). Connecting teacher beliefs to the use of children’s literature in the teaching of mathematics. *Journal of Mathematics Teacher Education*, 7(4): 329-356.
- Dana, L.P. (2001), “The education and training of entrepreneurs in Asia”, *Education Training*, 43(8): 405-16.
- EC-European Commission. (2008). Entrepreneurship in higher education, especially within non-business studies. *Final Report of the Expert Group, Brussels, Belgium*.
- Elyasi, M., Ferastkhah, M., (2012) The skills of entrepreneurship educators and educators to nurture new entrepreneurs in universities. *Journal of entrepreneurship*. 4(15): 185-218. [Persian]
- Ernest, K., Matthew, S. K., & Samuel, A. K. (2015). Towards Entrepreneurial Learning Competencies: The Perspective of Built Environment Students. *Higher Education Studies*, 5(1): 20.
- European Commission (2008). Entrepreneurship education in higher education, especially within non-business studies. Final report of the expert group. Enterprise and Industry Directorate-General. Brussels, Belgium.
- Farahani, A. goudarzi, M. Azizian Kohan, N. Ahmadi. A. (2009). The Investigation of the Role of Syllabus and Content of Lessons in the Entrepreneurship of Graduate Physical Education Students. 1(1): 203-223. [Persian]

- Lewis, K., & Massey, C. (2003). Delivering enterprise education in New Zealand. *Education+ Training*, 45(4): 197-206.
- LiuDezhi, L., Hong, W. (2008). A Comparative Study for Entrepreneurial Education in China-US Universities. International Conference on Engineering and Business Education, Wismar: Wismar University. September 14-17.
- Malekipour, A. Hakimzadeh, R. Dehghani, M. Zali, M. (2016). A Comparative Study of Entrepreneurship Curriculum for Undergraduate Programs of Social and Behavioral Sciences in the University of Tehran and Pioneer Universities of the World. *Journal of Research and writing of academic books*, 20 (38). 89-113. [Persian]
- McKenna, S. (2004). Predispositions and context in the development of managerial skills. *The Journal of Management Development*, 23(7/8): 664-677.
- Moberg, K., Stenberg, E., & Vestergaard, L. (2012). *Impact of entrepreneurship education in Denmark-2012*. Odense, Denmark: The Danish Foundation for Entrepreneurship-Young Enterprise.
- Null, W. (2011). *curriculum form theory to practice*. Published by Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
- Potishuk, V., & Kratzer, J. (2017). "Factors Affecting Entrepreneurial Intention and entrepreneurship attitudes in higher education". *Journal of Entrepreneurship Education*, 20(1): pp. 44-25.
- Rahmanpour, M., Mirghsem, H., Nasresfahani, H. (2016). The amount of observance the scientific principles in codification the goals of curriculum in Graduate Studies (Case Study: Isfahan University). *Research in Curriculum Planning*, 2(48): 56-69. [Persian]
- Robertson, M., Collins, A., Wilson, K. and Lyewllyn, D. (2003), "Embedding entrepreneurial studies across the curriculum paper", paper presented at the 26th National Institute for Small Business & Entrepreneurship Conference: SME's in the Knowledge Economy.
- Safari, S., Samizadeh, M., (2012). The Need for Knowledge and Entrepreneurship Skills Training in Humanities. *Journal of education technology*, 7(1): 76-66. [Persian]
- Sang, M. L., Daesung, C. (2005). Impact of Entrepreneurship Education: A Comparative Study of the U.S. and Korea. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 1(1): 27-43.
- Schiro, M. (1978). *Curriculum for better schools: The great ideological debate*. Financial Times/Prentice Hall.
- Schiro, M. (1992). Educators' perceptions of changes in their curriculum belief systems over time. *Journal of Curriculum and Supervision*, 7 (3): 250-286.
- Schiro, M. (2004). *Oral storytelling and teaching mathematics*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Schiro, M. (2008). *Curriculum theory: Conflicting visions and enduring concerns*. (Translator: Fermaheini Frahani, Mohsen), Tehran: Ayeg publications.
- Schiro, M. (2008). *Curriculum theory: Conflicting visions and enduring concerns*. Los Angeles/ London: SAGE.
- Schiro, M., & Fabrizio, M. (2007). Real-time diagrammatic Monte Carlo for nonequilibrium quantum transport. *Physical Review B*, 79(15): 153302.
- Sharif, Seyyed Mostafa Jamshidian, Abdolrasoul. Rahimi, Hamid, and Naderi, Nahid (2012) Analysis of the Situation of Entrepreneurship Education in Iran's Higher Education. *Entrepreneurship Development, Third Year, No. 11*, pp. 106-8779. (Persian)
- Stevenson, H. H., & Jarillo, J. C. (1990). A paradigm of entrepreneurship: Entrepreneurial management. *Strategic Management Journal*, 11(5): 17-27.
- Terpstra, D. E., & Rozell, E. J. (1993). The relationship of staffing practices to organizational level measures of performance. *Personnel psychology*, 46(1): 27-48.
- Vesper, K. H., & Gartner, W. B. (1997). Measuring progress in entrepreneurship education. *Journal of Business Venturing*, 12(7): 403-421.
- Zhou, M & Haixia Xu (2012). A Review of Entrepreneurship Education for College Students in China. *Adm. Sci.* 7 (2): 82-98.